

اخذ آخرین دفاع از متهم در حقوق ایران

ابوالحسن شاکری*

یاسر نریمانی کناری**

چکیده

در رسیدگی به جرم متهم، در صورت تصمیم به مجرم بودن وی، قاضی در پایان تحقیقات مقدماتی و در دادگاه بعد از دفاع آخر متهم و قبل از اعلام ختم رسیدگی، آخرین دفاع را اخذ می‌کند. موضوع آخرین دفاع، انتساب اتهام به ارتکاب جرم به متهم و ارائه دلایل آن است و پاسخ وی بعنوان آخرین دفاع، ایراد شبهه در اثبات یا رد عناصر هر یک از ارکان جرم اتهامی و دلایلی است که علیه متهم ارائه شده است. مضاف بر آن، ممکن است اثبات و بیان اوضاع و احوالی باشد که موجب بی گناهی، تخفیف، تعلیق و معافیت متهم از مجازات می‌گردد. آخرین دفاع در تحقیقات مقدماتی دادسرا، به علت محدودیتهای صلاحیت وکیل باید توسط خود متهم صورت گیرد، اما در محاکمه، متهم و وکیل وی، هر کدام یا یکی از آنها می‌توانند آخرین دفاع را مطرح کنند. مدت آخرین دفاع، با توجه به خصوصیات هر پرونده، باید متعارف و در هر حال نباید کمتر از مدت طرح دعوی و دلایل علیه متهم باشد. عدم اخذ آخرین دفاع در تحقیقات مقدماتی دادسرا، موجب نقص تحقیقات مقدماتی است، اما عدم اخذ آن در دادگاه بدوی، لزوماً موجب نقض حکم محکومیت در دادگاه تجدیدنظر نیست، البته این دادگاه باید جلسه رسیدگی را برای اخذ

* دانشیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه مازندران Shakeri_criminallaw@yahoo.com

** کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه مازندران narimani.kenari@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۲/۱۱

تاریخ دریافت: ۱۳۸۹/۹/۲۹

آخرین دفاع تشکیل دهد و سپس حکم خود را انشا کند، ولی دیوان عالی کشور حکم را نقض و پرونده را به مرجع صادر کننده حکم، جهت تشکیل جلسه رسیدگی که متضمن اخذ آخرین دفاع باشد و انشاء مجدد رای، ارجاع خواهد داد.

واژه های کلیدی: آخرین، دفاع، متهم، تحقیقات مقدماتی، محاکمه

۱. مقدمه

رعایت حقوق متهم، از ویژگی های یک دادرسی عادلانه است، از جمله حقوق متهم در ایران و بسیاری از کشورها، دادن فرصت آخرین دفاع به وی در پایان تحقیقات مقدماتی و محاکمه است. اینکه متهم بتواند از خود در مقابل اتهامات و دلایل مدعی، دفاع کند غیر از آخرین دفاع است که به موجب آن، به متهم، در انتهای رسیدگی، فرصت دوباره دفاع از اتهامات و دلایل داده می شود. این حدیث معروف نبوی از موازین دادرسی اسلامی است «البینه علی المدعی و الیمین علی من انکر»، به این معنی که دلیل بر عهده مدعی و قسم به عهده منکر (مدعی علیه) است، از این حدیث می توان استفاده کرد که مدعی علیه سخن پایانی را می گوید ولی از این حدیث بر نمی آید که این متهم (مدعی علیه) است که یکبار دیگر از خود در مقابل دعوی مدعی دفاع کند؛ لذا به نظر نمی رسد که در دادرسی اسلامی، بر اساس این حدیث، قاضی الزامی به اخذ آخرین دفاع از متهم داشته باشد؛ این نظر زمانی که جرم با علم قاضی ثابت می شود قوی تر می شود، زیرا در صورتی که قاضی عالم به واقع و حقیقت پیدا کرد چه در حق الله و چه در حق الناس مطابق علم خود حکم خواهد کرد (گیلانی، ۱۳۶۱: ۷۹)، پس در این مورد دیگر جایی برای اخذ آخرین دفاع از متهم باقی نمی ماند، در همین راستا است که شورای نگهبان گفته است: الزام به خواستن آخرین دفاع از متهم، در صورتی که رسیدگی انجام شده کافی برای رأی مقتضی باشد، شرعی نیست (مدنی، ۱۳۶۹: ۲۴۵). در خصوص برخی از جرایم، مثل زنا که احراز مجرمیت منوط به چهار بار اقرار است، با لحاظ مفهوم اقرار که منوط به سؤال و تفهیم گناه به متهم است بر می

آید که در دادرسی اسلامی آخرین دفاع مفهوم خیلی دور و غریب نیست و در جرایم حدی که با اقرار های متعدد متهم ثابت می شود بعد از اولین اقرار، اقرار های بعدی تا حدی خصوصیات آخرین دفاع را دارد.

تکلیف به اخذ آخرین دفاع از متهم، در تحقیقات مقدماتی، برای اولین بار در در ماده ۱۶۱^۱ و در محاکمه، در مواد ۲۶۱^۲، ۳۳۰^۳ و ۳۳۱^۴ آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۱ شهریور ۱۲۹۰ شمسی آمده بود، همچنین لزوم اخذ آخرین دفاع در محاکم جنایی، در ذیل بند ۶ ماده ۲۵ قانون تشکیل محاکم جنایی مصوب اول مرداد ماه ۱۳۳۷^۵ پیش بینی شده بود. در حال حاضر قسمت آخر ماده ۱۹۳ قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۷۸ اخذ آخرین دفاع در دادگاه را این گونه پیش بینی کرده است «دادگاه مکلف است مفاد اظهارات طرفین دعوا و عین اظهارات یک طرف را که مورد استفاده طرف دیگر باشد و همچنین عین اظهارات شهود و اهل خبره را در صورت مجلس منعکس نماید، پس از پایان مذاکرات، به عنوان آخرین دفاع به متهم یا وکیل او اجازه صحبت داده پس از امضاء طرفین رسیدگی را ختم می کند» و بند ۳ ماده ۳ قانون اصلاح قانون تشکیل دادگاه های عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۸۱ اخذ آخرین دفاع در تحقیقات مقدماتی را پیش بینی کرده است، این ماده بیان می دارد «پس از آنکه تحقیقات پایان یافت، بازپرس آخرین دفاع متهم را استماع نموده با اعلام ختم تحقیقات و اظهار عقیده ی خود پرونده را نزد دادستان می فرستد».

تصریح قانون گذار به اخذ آخرین دفاع، سوالات و ابهاماتی به این شرح ایجاد کرده است: مبانی اخذ آخرین دفاع چیست؟ آیا قاضی می تواند متهم را برای اخذ آخرین دفاع جلب کند؟ آیا اخذ آخرین دفاع قابل نیابت قضائی است؟ عدم اخذ آخرین دفاع چه تاثیری بر نتیجه رسیدگی دارد؟ آیا از طفل بزهکار هم می توان آخرین دفاع را اخذ کرد؟ آیا در تحقیقات مقدماتی وکیل متهم مجاز به ارائه آخرین دفاع است؟ مدت آخرین دفاع چقدر است؟ پاسخ به این قبیل سوالات، می تواند تامین کننده حقوق متهم و تکلیف قاضی در تحقیقات مقدماتی و محکمه باشد و در نتیجه به رسیدگی عادلانه که از اهداف آیین دادرسی است، کمک کند.

به منظور تحقیق و پاسخ به سوالات فوق و بررسی و تحلیل مطالب مرتبط با

آخرین دفاع، مثل جایگاه آخرین دفاع در رسیدگی غیابی یا حدود صلاحیت وکیل متهم در تحقیقات مقدماتی و محکمه برای ارائه آخرین دفاع در حضور و غیاب متهم، مباحث مطروحه، با لحاظ موازین قانونی و آموزه های فقهی، تحت عناوین: مبانی اخذ آخرین دفاع، مقتضیات اخذ آخرین دفاع، قضائی بودن اخذ آخرین دفاع، حضور متهم برای ارائه آخرین دفاع نزد قاضی صاحب رای، آخرین دفاع در جرائم اطفال و در انتها مدت آخرین دفاع، بشرح زیر آمده است.

۲. مبانی اخذ آخرین دفاع

همیشه متبادر به ذهن آن است که قانون خرد جمعی و مبتنی بر حکمت و برای نیل به هدف خاصی است. بنیادهای فکری قانونگذار که مبنای وضع مقررات اخذ آخرین دفاع قرار گرفته است تا بر اساس آنها قانونگذار به متهم فرصت دهد علاوه بر اینکه پس از ایراد اتهام و ادعای مطرح شده از خود دفاع می کند یکبار دیگر هم مجاز و فرصت دفاع از خود را در مقابل اتهامات و ادله وارده داشته باشد، بنظر بشرح زیر است:

اول: از تضمینات دادرسی عادلانه و امنیت قضایی افراد در رسیدگی، توجه به اصل برائت است که در قوانین اساسی^۶، مقررات بین المللی^۷ و اعلامیه ی جهانی حقوق بشر^۸ مورد توجه و تأکید قرار گرفته است، اقتضای اصل برائت آنست که قاضی نسبت به همه عناصر مادی و روانی جرم و دلائل مربوطه، تحقیقات لازم و رسیدگی کامل را انجام داده باشد، اخذ آخرین دفاع از متهم، امکان بیشتری به قاضی می دهد تا به تحقق آنها علم حاصل کند و با قناعت وجدان به مجرم بودن وی حکم صادر کند.

دوم: دادن فرصت آخرین دفاع به متهم، هم فرصت واقع گرایانه ای برای قاضی است تا مطمئن شود که همه دفاعیات متهم و دلائل وی را شنیده است و حکم وی مبتنی بر واقعیات است، زیرا چه بسا ممکن است قاضی در طول رسیدگی به آنها بی توجه و غافل بوده باشد و بعد از آخرین دفاع دیگر تردیدی نزد قاضی باقی نخواهد ماند که متهم مجرم است، والا باید یا به تحقیقات و رسیدگی خود ادامه دهد یا نظر به

مجرم نبودن متهم داشته باشد.

سوم: عدالت در دادرسی است؛ که ایجاب می کند توجه قاضی به دفاعیات متهم مضاعف و بیشتر از توجه به دعوی مدعی باشد، زیرا که قاضی با حکم خود می خواهد وضعیت حقوقی متهم را تغییر دهد و چه بسا جان یا عرض او موضوع حکم کیفری قرار بگیرد.

چهارم: قوام و دوام جامعه مقتضی داشتن نظم است و برقراری نظم در سطح عموم جامعه اقتضای وضع قانون را دارد، قانون با پیش بینی آخرین دفاع، در صدد آن است، این فرصت را به متهم بدهد که نظر قاضی را در جمع بندی پرونده اش بداند که با چه دلایلی در شرف مجرم شناخته شدن به چه جرم و ایجاد کدام بی نظمی یا عبارتی بی قانونی است تا شاید متهم بتواند به واسطه آخرین دفاع، با طرح مباحث جدید یا با تاکید بر دلایلی که دلالت بر گناهی یا تخفیف مجازاتش دارد، قاضی را به تردید از بهم خوردن نظم عمومی و در واقع وقوع جرم یا انتساب آن به خود وادارد.

پنجم: آخرین دفاع، فرصتی برای متهم است تا مطمئن شود همه اظهاراتی را که گمان می کند در برائت وی موثر است بیان کرده باشد، اعم از اظهاراتی که تاکنون در مقام دفاع مطرح کرده بود و هم مطالبی که تاکنون بیان نشده است و نیز طرح دلایلی است که ممکن است در طول رسیدگی در دسترس وی نبوده و یا حتی از وجود آن بی اطلاع بوده است و مهم تر از همه، دفاعیاتی که در فاصله بین رسیدگی های انجام گرفته و تا آخرین دفاع به آنها دسترسی پیدا کرده است.

ششم: بعلاوه در محاکمه ای که دلایل و رسیدگی علیه متهم جریان دارد، آخرین دفاع می تواند فرصت مناسب و مغتنمی باشد تا متهم با ابراز پشیمانی و جلب رضایت مجنی علیه در تخفیف مجازات خود تلاش کند و قاضی را به انتخاب مجازات کمتر دلالت دهد.

۳. مقتضیات اخذ آخرین دفاع

اخذ آخرین دفاع از متهم، از یک طرف، یک اقدام قضایی است و از طرف دیگر،

لازمه اش، حضور متهم نزد قاضی است و سپس متعاقب انتساب جرم به متهم اخذ می گردد، از این رو توجه به آنها بشرح زیر قابل بحث است:

۳-۱. قضایی بودن آخرین دفاع

اخذ آخرین دفاع یک تصمیم قضائی است، زیرا که دفاع متهم در مجرمیت یا بی گناهی وی موثر است، از اینرو، ماهیت قضائی آخرین دفاع مستلزم آنست که مقامات مجری اخذ آخرین دفاع و موضوع آخرین دفاع بشرح زیر مورد بررسی قرار گیرند.

۳-۱-۱. مقامات مجری اخذ آخرین دفاع

در یک پرونده کیفری، حسب مورد، ممکن است، مقامات متعددی مثل ضابطین دادگستری، شورای حل اختلاف، مقامات دادرسی و دادگاههای بدوی و تجدیدنظر و دیوان عالی کشور مجاز به دخالت باشند که صلاحیت آنها از حیث اخذ آخرین دفاع محل بررسی است.

۳-۱-۱-۱. ضابطین دادگستری

در مجموعه مقررات آیین دادرسی کیفری ایران، مقاماتی که تکلیف به اخذ آخرین دفاع را دارند مشخص شده است؛ در خصوص ضابطین دادگستری، هیچ نص قانونی خاصی راجع به اخذ آخرین دفاع وجود ندارد. حسب تصریح قانون، زمان آخرین دفاع قبل از اتخاذ تصمیم نهایی به مجرمیت یا محکومیت متهم است و چون بعد از هر گونه اقدام ضابطین به انجام تحقیقات مقدماتی، تصمیم نهائی اتخاذ نمی گردد جایی توسط آنها برای اخذ آخرین دفاع نیست پس آنان صلاحیت اخذ آن را ندارند و حتی در صورت درخواست مقام قضایی به اخذ آخرین دفاع هم ضابطین دادگستری صالح به اجرای دستور نیستند، زیرا تکالیف و اختیارات قضایی قائم به شخص قاضی و واگذاری آنها به غیر محتاج به نص قانونی است بر همین لحاظ، اساساً، ضابطین دادگستری صلاحیت اخذ آخرین دفاع را ندارند.

شبهه ای که ممکن است صلاحیت اخذ آخرین دفاع را بر عهده ضابطین دادگستری بگذارد تکلیفی است که آنها در انجام تحقیقات مقدماتی موضوع ماده ۱۹

قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور کیفری ۱۳۷۸ دارند، لذا از این جهت این بحث مطرح می شود که اگر اخذ آخرین دفاع را بخشی از تحقیقات مقدماتی بدانیم، بنابراین ضابطین هم مجاز به اخذ آخرین دفاع هستند. اما قابل تأمل است که تحقیقات مقدماتی ضابطین دادگستری مقید به موارد مذکور در ماده فوق الذکر، غیر از موارد تحقیقات مقدماتی مقامات قضایی ذیل باب دوم آیین دادرسی کیفری است که اساساً در هیچ یک از آنها بحثی از اخذ آخرین دفاع نشده است و فقط در قانون اصلاح قانون تشکیل دادگاه های عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۸۱ ذیل وظایف بازپرس، از اخذ آخرین دفاع، قبل از قرار مجرمیت بحث شده است که منصرف از صلاحیت ضابطین دادگستری است؛ بعلاوه اخذ آخرین دفاع، در باب دوم آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری تحت عنوان محاکمه آمده است که ارتباطی به اختیارات ضابطین دادگستری ندارد. مهمتر از همه اینکه، مطابق با مواد ۲۰ و ۲۴ قانون آیین دادرسی کیفری، ضابطین دادگستری در جرائم غیر مشهود مکلف به "اجرای دستورات قاضی و تکمیل پرونده" هستند، منظور از "اجرای دستور و تکمیل پرونده" همه اقدامات لازم، الا اخذ آخرین دفاع است، زیرا طبق بند ک ماده واحده قانون اصلاح قانون تشکیل دادگاه های عمومی و انقلاب، اخذ آخرین دفاع "پس از پایان تحقیقات" و طبق ماده ۱۲۸ قانون آیین دادرسی کیفری اخذ آخرین دفاع بعد از "خاتمه تحقیقات" بعمل می آید که مرتبه ای بعد از تکمیل پرونده توسط ضابطین دادگستری است.

۲-۱-۳. شورای حل اختلاف

بند ۱ ماده ۱۰ آیین نامه اجرایی ماده ۱۸۹ قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی مصوب ۱۳۷۸ راجع به شورای حل اختلاف بیان کرده بود "رسیدگی در شورا تابع تشریفات قانون آیین دادرسی نبوده و شورا به طریق مقتضی طرفین را دعوت نموده و اظهارات و مدافعات آنان را استماع و خلاصه ای از آن را صورت مجلس و به امضای اعضا و طرفین می رساند"، ظاهراً طبق این مقررات اخذ آخرین دفاع در این شورا منتفی بوده است، ولی علی رغم آن مانع از اجرای قواعد

کلی آیین دادرسی کیفری از جمله اخذ آخرین دفاع در شورای حل اختلاف نبود، البته سپس این مقررات اصلاح گردید که یکی از این موارد مربوط به اصول و مقررات حاکم بر رسیدگی است، در این خصوص در قانون شورای حل اختلاف مصوب ۱۳۸۷/۲/۲۹ ماده ۲۰ و تبصره ۱ آن آمده است: «رسیدگی قاضی شورا از حیث اصول و قواعد تابع مقررات قانون آیین دادرسی مدنی و کیفری است. تبصره ۱: اصول و قواعد حاکم بر رسیدگی شامل مقررات ناظر به صلاحیت، حق دفاع، حضور در دادرسی، رسیدگی به دلایل و مانند آن است»، از جمله حق دفاع متهم، آخرین دفاع است، لذا شورای حل اختلاف نیز ملزم به اخذ آخرین دفاع از متهم است.

۳-۱-۱-۳. مقامات دادرسی

بند ک ماده ۳ قانون اصلاح قانون تشکیل دادگاه های عمومی و انقلاب بیان می دارد " پس از آنکه تحقیقات پایان یافت، بازپرس آخرین دفاع متهم را استماع نموده با اعلام ختم تحقیقات و اظهار عقیده خود پرونده را نزد دادستان می فرستد"، بر اساس بند و ماده ۳ قانون مذکور، در جرائمی که در صلاحیت رسیدگی دادگاه کیفری استان نیست، دادستان نیز دارای کلیه وظایف و اختیاراتی است که برای بازپرس مقرر است، لذا در این گونه جرائم، تحقیقات مقدماتی حسب مورد توسط دادستان یا دادیار تحقیق انجام می گیرد و همین مقامات در پایان تحقیقات مکلف به اخذ آخرین دفاع هستند؛ در این خصوص اگر پرونده ای بدون اخذ آخرین دفاع با صدور کیفرخواست به دادگاه برود هیچ ضمانت اجرای خاصی پیش بینی نشده است، فقط طبق تبصره ماده ۱۴ قانون مزبور، اگر دادگاه پرونده را ناقص ببیند می تواند خودش آن را تکمیل کرده یا جهت تکمیل به دادرسی اعاده کند، ولی از این جهت که به قانون بی توجهی شده است؛ تخلف و در دادرسی و دادگاه انتظامی قضات، قابل پیگیری است.^۹ سوآلی که مطرح می شود این است که آیا دادستان می تواند راجع به اتهام مذکور در آخرین دفاع ایراد کند و اصلاح آن را بخواهد؟ یا دادستان بعد از قرار مجرمیت صادره از بازپرس، با لحاظ اظهارات متهم نزد دادستان که وی را به دلایلی دلالت داده که در بی گناهی وی موثر است، از بازپرس بخواهد که تحقیقات لازمه را کامل و سپس از متهم آخرین دفاع را

اخذ کند؟ بنظر می‌رسد، از آنجا که بر اساس بند ه ماده ۳ قانون اصلاح قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب، دادستان حق نظارت و دادن تعلیمات لازمه به بازپرس را در اموری که به وی ارجاع می‌شود دارد، دادستان می‌تواند راجع به آخرین دفاع ایراد کند و اصلاح آن را بخواهد و یا با توجه به اینکه دادستان کیفرخواست را صادر می‌کند قبل از صدور آن، چون هنوز مجرمیت را با لحاظ اظهارات متهم احراز نکرده است و حتی بعد از فرار مجرمیت، از بازپرس بخواهد که تحقیقات را کامل و یک بار دیگر از متهم آخرین دفاع را اخذ کند.

لازم به ذکر است اگر به متهم دسترسی نباشد و احضار و جلب او برانجام تحقیقات مقدماتی ممکن نباشد، نیاز به اخذ آخرین دفاع نیست (آخوندی، ۱۳۸۸: ۱۱۱ و ۱۱۲)، همانطوریکه در ماده ۱۶۱ مکرر اصول محاکمات جزایی الحاقی بهمن ۱۳۱۷ آمده است: در امور جزایی در مواردی که مستنطق به متهم دسترسی ندارد یا به علت شناخته نشدن در محل اقامت احضار و جلبش مقدور نیست، مستنطق می‌تواند بدون استماع آخرین دفاع در صورتی که دلایل اتهام کافی باشد، رسیدگی و قرار مقتضی صادر نماید؛ هر چند این ماده منسوخ است، ولی به سبب سنخیت رسیدگی در دادسرا طبق قانون اصلاح قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب با مقررات فوق‌الذکر، می‌توان گفت که در تمامی جرائم حتی جرایمی که جنبه حق‌اللهی دارند نیز چنانچه متهم در دادسرا حاضر نشده ولی تحقیقات و دلایل اتهام کافی باشد، پرونده پس از تکمیل تحقیقات مقدماتی با صدور کیفرخواست به دادگاه می‌رود ولی دادرسی در دادگاه تا حضور متهم به جرائم حق‌اللهی متوقف می‌گردد، اما به دیگر جرائم متهم غایب، در صورت ابلاغ احضاریه، رسیدگی و حکم مقتضی صادر خواهد شد؛ اینکه چرا پرونده متهم غایب به جرائم حق‌اللهی علی‌رغم غیبتش در دادسرا، رسیدگی و پس از انجام تحقیقات و احراز دلایل اتهام با صدور کیفرخواست به دادگاه می‌رود مستفاد از کلمه رای غیابی است که در صراحت ماده ۲۱۷ این قانون زیر باب دوم یعنی محاکمه آمده است و منطقاً ناظر به انجام و پایان تحقیقات مقدماتی است که غیر از باب اول زیر عنوان تحقیقات مقدماتی است و پس از آن است که به پرونده متهم غایب طبق مقررات باب دوم یعنی محاکمه که فصلی از آن رای غیابی است رسیدگی می‌

شود، ولی صرفاً در جرائم حق الهی بلحاظ غیبت متهم منجر به رای نمی گردد.

۴-۱-۱-۳. دادگاه بدوی

قضات دادگاه بدوی اعم از بخش، شهرستان و کیفری استان، چه در مواردی که بدواً و بدون کیفرخواست به جرایم خاصی رسیدگی می کنند و یا آنکه در مقام رسیدگی به کیفرخواست دادرسی می نمایند، بر اساس ماده ۱۹۳ قانون آیین دادرسی تشکیل دادگاه های عمومی و انقلاب در امور کیفری، پس از ختم رسیدگی، مبادرت به اخذ آخرین دفاع از متهم می نمایند؛ هر چند که در مقررات دادگاه های کیفری استان تصریح به اخذ آخرین دفاع نشده است، ولی از آنجا که بر اساس تبصره ماده ۲ قانون اصلاح قانون تشکیل دادگاه های عمومی و انقلاب، ترتیب رسیدگی و کیفیت محاکمه و صدور رأی در این دادگاه تا تصویب قانون آیین دادرسی مناسب، مطابق مقررات این قانون و آیین دادرسی قانون تشکیل دادگاه های عمومی و انقلاب در امور کیفری خواهد بود، لذا در این دادگاه ها نیز پس از پایان مذاکرات از متهم آخرین دفاع اخذ می شود.

باید خاطر نشان کرد، بر اساس تبصره ۳ ماده ۳ قانون اصلاح قانون تشکیل دادگاه های عمومی و انقلاب، پرونده هایی که موضوع آنها جرایم حد زنا یا لواط است، همچنین جرایمی که مجازات قانونی آنها فقط تا سه ماه حبس و یا جزای نقدی تا یک میلیون ریال باشد و جرایم اطفال که مستقیماً در دادگاه مطرح می شود نیز مانند رسیدگی در دادگاه بخش چون فصل مشخصی بین تحقیقات مقدماتی و دادرسی نیست و دادرسی با انجام تحقیقات مقدماتی فارغ از رسیدگی نمی شود، آخرین دفاع در تحقیقات مقدماتی بعمل نمی آید و تنها یک بار آن هم پس از پایان مذاکرات آخرین دفاع از متهم اخذ می گردد. هر چند برخی معتقدند در مواردی که پرونده مستقیماً به دادگاه ارجاع می شود نیز بهتر بود اخذ آخرین دفاع قبل از صدور قرار تأمین کیفری پیش بینی می شد (زراعت، ۱۳۸۲: ۲۴۷). ولی مستفاد از مقررات آیین دادرسی کیفری این است که آخرین دفاع زمانی اخذ می شود که مقام قضایی پس از اخذ آن، تصمیم نهایی اتخاذ و فارغ از رسیدگی می شوند و حسب مورد اقدام به صدور قرار مجرمیت یا

رأی می کند، حال آنکه در چنین پرونده هایی چون قاضی پس از صدور قرار تأمین از رسیدگی فارغ نشده و به رسیدگی خود ادامه می دهد و هنوز پرونده معد تصمیم نهایی نیست پس نیاز برای اخذ آخرین دفاع هم نیست. همچنین در مواردی که متهم در آخرین جلسه دادگاه که متضمن اخذ آخرین دفاع است علی رغم ابلاغ احضاریه حاضر نمی شود و وکیل وی هم در جلسه دادگاه حاضر نیست، دادگاه می تواند بدون اخذ آخرین دفاع مبادرت به صدور رأی کند.

در خصوص رسیدگی به جرایم سیاسی و مطبوعاتی در دادگاه کیفری استان که با حضور هیأت منصفه انجام می گیرد (تبصره ۱ ماده ۲۰ قانون اصلاح قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب) با لحاظ این که این نهاد مستفاد از ماده ۴۳ قانون مطبوعات مصوب ۱۳۶۶ باید به دو پرسش اساسی پاسخ دهد؛ اولاً) آیا عمل انجام گرفته جرم است یا نه؟ ثانیاً) متهم مستحق تخفیف است یا خیر؟^{۱۰} می توان به لزوم اخذ آخرین دفاع با حضور هیأت منصفه پی برد؛ زیرا اظهارات نهایی متهم می تواند بر تصمیم هیأت منصفه مؤثر واقع شود. حتی در برخی کشور ها آخرین دفاع تنها خطاب به هیأت منصفه بیان می شود؛ برای مثال می توان به قانون هیأت منصفه ایالت ایندیانا در آمریکا اشاره کرد، در این ایالت، مطابق با ماده ۲۷ قانون هیأت منصفه قضائی، زمانی که دلایل کامل شد متهم یا وکیل او آخرین دفاع خود را خطاب به هیأت منصفه ابراز می دارند.

آنجا که متهم یا وکیل او در هیچیک از جلسات محکمه حاضر نمی شوند و لایحه ارسال نمی دارند، مستند به ماده ۲۱۷ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۷۸، حکم دادگاه غیابی است، با توجه به قسمت اخیر ماده ۲۱۸ این قانون این حق محکوم علیه بدوی است تا تقاضای واخواهی کند که متعاقب آن، بلافاصله دادگاه وارد رسیدگی می شود و دلائل و مدافعات وی را بررسی می کند چنانچه موثر در رای نباشد حکم غیابی را تأیید می کند والا با تعیین وقت رسیدگی طرفین را دعوت می کند، تحقیقا در مورد اخیر چنانچه با تشکیل جلسه رسیدگی نظر قاضی بر مجرمیت باشد دادگاه در صورت حضور محکوم علیه یا وکیل وی پس از اخذ آخرین دفاع حکم شایسته را صادر خواهد کرد که مباحث آن مشابه رسیدگی حضوری است، ولی بحث و تامل

آنجاست که دادگاه دلائل و مدافعات محکوم علیه را موثر در رای نداند، حال ایا حکم معترض عنه را بدون اخذ آخرین دفاع تأیید کند؟ در اینصورت، آیا مقررات دادرسی نادیده گرفته نشده است؟ آیا حقوق متهم تضییع نشده است؟ آیا این رای بدوی، دادگاه تجدیدنظر را مکلف به تشکیل جلسه رسیدگی جهت اخذ آخرین دفاع نخواهد کرد؟ یا باید پس از اخذ آخرین دفاع اقدام به تأیید حکم غیابی نماید؟ بنظر و در چارچوب مقررات دادرسی ایران، هیچیک از پاسخ ها مثبت نیست، زیرا با توجه به مفهوم مخالف قسمت اخیر ماده ۲۱۸ آنجا که دادگاه نظر بر تأیید حکم غیابی خود دارد رسیدگی بدون تعیین وقت رسیدگی است که لزوماً دلالت بر عدم تشکیل رسیدگی با حضور شاکی یا مدعی العموم و حتی خود محکوم علیه دارد، قاضی را مکلف به اخذ آخرین دفاع از محکوم علیه نمی سازد و چون از این جهت نقصی در دادرسی بدوی واقع نشد دادگاه تجدیدنظر هم تکلیفی به رفع نقص از دادرسی نخستین و در نتیجه اخذ آخرین دفاع ندارد، هر چند ممکن است گفته شود ندادن فرصت آخرین دفاع به محکوم علیه حکم غیابی برخلاف مبانی و روح دادرسی کیفری و تبعیض بین متهم با محکوم علیه غیابی است که بنظر صحیح نیست زیرا که محکوم علیه غایب خود از حضور در وقت معین جلسه دادگاه خودداری کرده است همانطوری که که اگر متهم از حضور در آخرین جلسه دادگاه خودداری کند دادگاه بدون اخذ آخرین دفاع از متهم مبادرت به صدور رای خواهد کرد.

۵-۱-۱-۳ دادگاه تجدید نظر

هر چند رسیدگی در مرحله تجدید نظر، به لحاظ رسیدگی ماهوی، ادامه رسیدگی بدوی است و در صورت اخذ آخرین دفاع در دادگاه بدوی نیازی به اخذ مجدد آخرین دفاع نیست؛ ولی در چند مورد دادگاه تجدید نظر، ملزم به اخذ آخرین دفاع است:

اول، زمانی است که دادگاه بدوی، علی رغم محکومیت متهم، اقدام به اخذ آخرین دفاع نکرده است، بدیهی است صدور چنین رای از سوی دادگاه بدوی بدون رعایت تشریفات قانونی است؛ لذا دادگاه تجدید نظر با تشکیل جلسه رسیدگی اگر

همچنان نظر به محکومیت متهم داشته باشد پیش از صدور و تأیید رأی بدوی، مبادرت به اخذ آخرین دفاع می‌کند. لازم به ذکر است، صرف عدم اخذ آخرین دفاع در مرحله بدوی، نمی‌تواند لزوماً موجب نقض حکم محکومیت در مرحله تجدیدنظر باشد، بلکه دادگاه تجدیدنظر جلسه رسیدگی را با دعوت همه ی اشخاص دخیل در پرونده تشکیل داده و اتخاذ تصمیم خواهد کرد هر چند ممکن است نظر به تأیید رأی بدوی داشته باشد. سوآلی که پیش می‌آید این است که اگر مقام قضایی پس از پایان مذاکرات اقدام به صدور حکم محکومیت بدون اخذ آخرین دفاع نماید و این حکم نیز قطعی و غیر قابل تجدیدنظر باشد تکلیف چنین محکومی چیست؟ هر چند که دادگاه عالی انتظامی قضات طی آرای متعددی صدور حکم به محکومیت بدون اخذ آخرین دفاع را تخلف دانسته است (کریم زاده، ۱۳۸۱: ۱۱)، ولی اگر عدم اخذ آخرین دفاع سبب گردد تا متهم از فرصت ارائه آخرین دلایلی که مبنی بر بی‌گناهی او بوده محروم شود بطوریکه رأی صادره بر خلاف بین شرع بوده باشد می‌توان از طریق ماده ۱۸ اصلاحی قانون اصلاح قانون تشکیل دادگاه های عمومی و انقلاب در خواست اعاده دادرسی کرد، زیرا آراییی که در آن به دلایل متهم که اثبات کننده بی‌گناهی اوست توجهی نشده باشد مسلماً خلاف بین شرع است که تشخیص خلاف شرع بودن آن با رئیس قوه قضائیه است، در این صورت، این تشخیص به عنوان یکی از جهات اعاده دادرسی محسوب می‌شود و پرونده مجدداً رسیدگی خواهد شد. البته اگر مستندات محکوم علیه منطبق با یکی از مصادیق اعاده دادرسی در ماده ۲۷۲ قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری باشد، چه آخرین دفاع اخذ بشود یا نشود، قابل اعاده رسیدگی است.

مورد دوم در جایی است که به استناد ماده ۲۵۲ قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور کیفری، دادگاه تجدیدنظر تحقیقات انجام شده در مرحله بدوی را ناقص تشخیص دهد که لزوماً خود مبادرت به انجام تحقیقات می‌نماید و پس از انجام این تحقیقات، در صورتی که نظر به مجرمیت متهم داشته باشد، با دعوت طرفین اقدام به اخذ آخرین دفاع از متهم می‌نماید، حتی اگر در دادگاه بدوی یا دادسرا آخرین دفاع اخذ شده باشد.

مورد سوم، زمانی است دادگاه تجدیدنظر بنا به هر دلیلی حکم بدوی برائت را

مخالف موازین شرعی یا قانونی تشخیص دهد و نظر به مجرمیت داشته باشد در این صورت به استناد بند ۴ ماده ۲۵۷ قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور کیفری، با تشکیل جلسه و دعوت از طرفین و اخذ آخرین دفاع از متهم اتخاذ تصمیم می کند. بدیهی است اگر دادگاه تجدید نظر پس از رسیدگی، عملی را که محکوم علیه به اتهام ارتکاب آن محکوم شده به فرض ثبوت جرم نداند یا به هر دلیل، براءت متهم را احراز نماید و به طور کلی هر جایی که دادگاه تجدید نظر، رای بدوی را تأیید نمی کند یا بنا به جهات قانونی نظر بر موقوفی تعقیب داشته باشد و یا نظر به تأیید رای محکومیت بدوی که مسبوق به آخرین دفاع است داشته باشد، بدون اخذ آخرین دفاع انشأی می کند.

۳-۱-۶. دیوان عالی کشور

رسیدگی در دیوان عالی کشور شکلی است، بدین معنی که اگر رسیدگی را وفق قانون نیافت که از جمله آن عدم اخذ آخرین دفاع است، رای دادگاه بدوی را نقض و پرونده را جهت رسیدگی و انشای رای مجدد به مرجع صادر کننده رای مربوطه ارجاع می دهد تا دادگاه پس از تشکیل جلسه و اخذ آخرین دفاع اقدام به صدور رای کند. بر اساس ماده ۲۶۴ قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور کیفری، ممکن است دیوان عالی کشور اطراف دعوا یا وکلای آنان را جهت رسیدگی احضار کند، منظور از این رسیدگی چیست؟ آیا منظور رسیدگی شکلی است که با حضور اطراف دعوی یا وکلای آنان انجام می گردد، مثلاً هویت یک طرف پرونده مبهم است که باید دقیقاً شناسائی شود یا با لحاظ اطلاق رسیدگی در دیوانعالی کشور در قسمت اخیر ماده، می توان گفت منظور رسیدگی ماهوی هم است؟ اگر معتقد به این نظر باشیم که منظور از قسمت دوم ماده رسیدگی ماهوی هم است که خاص و استثناء بر قسمت اول ماده مزبور است؛ در اینصورت، مطابق با قاعده کلی که قبل از تصمیم نهایی قاضی، سخن آخر را متهم مجدداً بعنوان آخرین دفاع بیان می کند؛ چنانچه نظر بر تأیید محکومیت متهم باشد یک بار دیگر آخرین اظهارات متهم یا وکیل وی در صورت حضور به عنوان آخرین دفاع اخذ می شود، ولی این نظر خلاف حقوق زنده یعنی رویه

عملی و جایگاه ماهیت سازمانی دیوان عالی کشور است. بنابراین باید قسمت دوم ماده را حمل بر قسمت اول ماده یعنی رسیدگی شکلی کرد و آن را تفسیری از رسیدگی شکلی دانست، زیرا که جایگاه دیوان عالی کشور تطابق واقع با قانون نیست تا نوع رسیدگی اش ماهوی باشد بلکه صلاحیت رسیدگی اش تطابق رای صادره با قانون است که از این جهت به معنی رسیدگی شکلی است.

۳-۱-۲. موضوع آخرین دفاع

به آخرین دفاع متهم از دو جهت «موضوع سوال قاضی بعنوان آخرین دفاع» و «محتویات پاسخ متهم» باید توجه کرد.

۳-۱-۲-۱. موضوع سوال قاضی بعنوان آخرین دفاع

موضوع درخواست قاضی از آخرین دفاع چیست؟ به عبارت دیگر، قاضی باید چه مطلبی را بعنوان آخرین دفاع از متهم، مطرح کند؟ در پایان آخرین جلسه رسیدگی که پرونده معد تصمیم نهائی است از قاضی انتظار چه سوالی از متهم است؟ چرا که ممکن است، در طول رسیدگی، مخصوصاً در تحقیقات مقدماتی، مباحث و اتهامات متعددی به متهم تفهیم و مطرح گردد، لذا مرجع رسیدگی می بایست برای اخذ آخرین دفاع یک بار دیگر، مجدداً جرم اتهامی را که قاضی نظر بر مجرمیت یا محکومیت وی دارد به متهم تفهیم و همین طور کلیه دلایل مربوطه را مجدداً به وی ارایه کند، چون متهم بایستی نهایتاً بداند در برابر چه اتهامی از خود دفاع کند و چه دلایلی علیه او به مجرمیت یا محکومیت وجود دارد تا آنها را مورد تردید قرار دهد. ممکن است گفته شود در مواردی که متهم خود اقرار صریح نماید دیگر احتیاجی به اخذ آخرین دفاع نیست، بر همین اساس در برخی از ایالات آمریکا نیز وقتی تنها دلیل موجود در پرونده اقرار متهم است دادگاه دیگر تکلیفی به اخذ آخرین دفاع ندارد (کارلسون^{۱۱} و میشل^{۱۲}، ۲۰۰۴: ۱۳). به نظر می رسد این قانون با توجه به ماهیت و مبانی اخذ آخرین دفاع چندان منطقی نیست، زیرا منظور قانون گذار از اخذ آخرین دفاع، صرفاً اظهاراتی مبنی بر بی گناهی یا اقرار به گناهکار بودن متهم نیست، بلکه ممکن است متهم در آخرین دفاع، اظهاراتی معارض با عناصر مادی و روانی جرم اتهامی و جهات یا اوضاع

و احوالی مبنی بر بی گناهی یا کیفیات مخففه مذکور در ماده ۳۷ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ یا تعلیق مندرج ماده ۴۶ قانون مزبور بیان دارد که در صورت عدم نیاز به تحقیقات بیشتر، قاضی را به اجرای تعلیق حکم یا تخفیف مجازات وحتى به منع پیگرد یا براءت از جرم دلالت نماید.

۲-۲-۱-۳. محتوی پاسخ متهم بعنوان آخرین دفاع

در حقوقی انگلیس راجع به^{۱۳} آخرین دفاع^{۱۴} این گونه آمده است: آخرین اظهاراتی است که توسط وکلاء خطاب به هیأت منصفه یا دادگاه بیان می شود که در آن دلایل ومدارکی که به نظر آنها در جریان دادرسی اثبات شده یا طرف دیگر در اثبات آن ناموفق بوده به اختصار بیان می شود (کمبل^{۱۵}، ۱۹۸۳: ۱۳۲) بعبارت دیگر آخرین دفاع متهم یا وکیل وی بر روی زوال عناصر ارکان مادی و روانی جرم و اوضاع و احوال ارتکاب جرم و ایراد شبهه بر دلایل مطروحه و ابراز دلایل و قرائن بر بی گناهی است، علاوه بر آن باید برای متهم این حق هم قائل شد که بتواند با طرح یکی از عوامل موجهه جرم، رفتار خود را توجیه کند یا خود را مشمول یکی از عوامل رافع مسئولیت بشناساند و در صورت اقرار به جرم خود را در شرایط استحقاق استفاده از کیفیات مخففه یا معافیت از مجازات قرار دهد. مطابق ماده ۲ بخش ۲۴ قانون آیین دادرسی کیفری کشور استونی^{۱۶} متهم در آخرین دفاع هر مطلبی را می تواند در دفاع از خود بیان دارد، ولی نباید از موضوع اتهامی که به او تفهیم شده منحرف شود والا قاضی می تواند اظهارات او را متوقف کند، در این قانون حتی پرسیدن سؤال از متهم در حین آخرین دفاع ممنوع است، در پایان متهم از مقام قضایی یا هیأت منصفه درخواست می کند به نفع او اتخاذ تصمیم کند.

۲-۳. حضور متهم

آخرین دفاع، متعاقب تفهیم اتهام به متهم است، تفهیم اتهام هم متعاقب وقوع جرم و انتساب آن به شخص خاصی است که به عنوان متهم نزد قاضی حاضر است، لذا حضور متهم از شرایط اساسی اخذ آخرین دفاع از متهم است که لازم است از وی

تحقیقات مقدماتی بعمل آید ولی در محاکمه اینگونه نیست. در این خصوص مباحثی چون جلب متهم برای اخذ آخرین دفاع، اعطای نیابت قضائی برای اخذ آخرین دفاع و آخرین دفاع توسط وکیل متهم قابل بررسی است.

۱-۲-۳. جلب متهم برای اخذ آخرین دفاع

اگر در دادسرا یا محاکمه، آخرین دفاع از متهم اخذ نشده باشد، مراجع قضایی می بایست حسب مورد با تشکیل جلسه بازجویی یا دادرسی مبادرت به احضار متهم برای اخذ آخرین دفاع نمایند، عدم اخذ این دفاع، تحقیقات مقدماتی یا دادرسی را در معرض نقص و نقض رأی قرار می دهد. اما بحث این است که اگر متهمی علیرغم احضار، از حضور نزد مقام قضایی خودداری کرد، آیا باید متهم را جلب کرد؟ یا قاضی باید به احضار و ابلاغ آن به متهم اکتفا کند و روند رسیدگی را علیرغم عدم حضور متهم ادامه دهد؟ عبارت بهتر، ارائه آخرین دفاع حق متهم است و می تواند نزد مرجع قضائی احضار کننده حاضر نشود یا تکلیف وی است که نزد این مرجع حاضر شود والا جلب می شود؟

در پاسخ به سوال فوق ممکن است گفته شود که چون در آخرین دفاع، ممکن است متهم مطالبی داشته باشد که در کشف حقیقت موثر باشد، جلب وی در صورت عدم حضور مطابق با قاعده و الزامی است، چنانچه برخی اینگونه توجیه کرده اند: اخذ آخرین دفاع از جهت حفظ نظم و حقوق اجتماعی، تکلیف بازپرس و از جهت حفظ حقوق متهم، حق او می باشد و در تقابل بین این دو نظر، بایستی حفظ نظم و حقوق اجتماعی را بر حقوق متهم غلبه داد و قائل باشیم که بازپرس می تواند برای اخذ آخرین دفاع متهم را جلب نماید (گلدوست و عبدالهی، ۱۳۸۹: ۱۰). اما قابل توجه است که در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۷۸ و قانون اصلاح قانون تشکیل دادگاه های عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۸۱ بطور خاص و به تصریح نیامده است که مقامات قضایی برای اخذ آخرین دفاع ملزم به جلب متهم هستند و حقیقتا جلب متهم متعاقب احضار و عدم حضور، زمانی لازم است که نیاز به تحقیقات بیشتری باشد و مستفاد از قانون است که اگر قاضی در پایان تحقیقات باشد برای تکمیل تحقیقات نیازی به جلب

ندارد و چه بسا اگر قاضی منتظر جلب متهم برای اخذ آخرین دفاع باشد، پرونده تا زمان جلب متهم که حد خاص ندارد و نامعلوم است مفتوح خواهد ماند و بی جهت سبب اطاله دادرسی می شود، این مشکل آنجا خود را بیشتر نشان می دهد که بعضی از متهمین برای رسیدگی حاضر شدند و آخرین دفاع اخذ شد ولی برخی دیگر حاضر نشدند و جلب آنها در زمان نزدیک و معین ممکن نیست، از آنجا که برای همه متهمین در یک رای تصمیم گیری می شود تا جلب متهمین غایب برای اخذ آخرین دفاع، نظم دادرسی و رعایت قواعد اساسی تر به هم می ریزد و مهمتر از همه پاسخ به این سوال که اساساً دفاع متهم از خودش حق است یا تکلیف؟ هر چند باید گفت غیر قابل منازعه است متهم باید در تکمیل تحقیقات مقدماتی تا کشف حقیقت که یک موضوع عمومی است با مقامات دادرسی همکاری کند که از این جهت پاسخ و دلالت های متهم تکلیف بنظر می رسد لذا جلب وی قابل توجیه است، ولی پس از آن که قاضی تحقیقاتش را پایان یافته اعلام کرد که متعاقب کشف حقیقت است دیگر احضار متهم قابل توجیه نیست و اگر قاضی برای اخذ آخرین دفاع ملزم به احضار متهم است به سبب فرصت و حقی است که قانون برای متهم و نفع وی قائل شده است تا با پاسخ های لازم، خود از بند تعقیب و تردید قاضی در کشف حقیقت برهاند و اگر متهم نخواهد از این فرصت خود استفاده کند تضییق و وبالی بر او نیست، متهم می تواند با حضور نزد قاضی آخرین دفاع خود را به سکوت برگزار کند و چیزی نگوید یا به هر علتی نزد قاضی حاضر نشود و از این حق خود بگذرد، همانطوری که در دادگاه ممکن است و می تواند در آخرین جلسه دادرسی حاضر نشود، بنابراین آخرین دفاع حق متهم است و باید این فرصت را به وی داد ولی جلب وی "صرفاً" برای اخذ آخرین دفاع قابل توجیه نیست.

در انتهای این بحث لازم به ذکر است، در پیش نویس لایحه قانون آیین دادرسی کیفری، عدم جواز جلب متهم برای اخذ آخرین دفاع در تحقیقات مقدماتی به صراحت پیش بینی شده است. این پیش نویس در ماده ۱-۱۲۷ بیان می دارد: «در صورتی که متهم یا وکیل وی جهت اخذ آخرین دفاع احضار شده و حضور نیابد بدون اخذ آخرین دفاع اتخاذ تصمیم می شود». این ماده از چند جهت محل تأمل است که گویا، اولاً،

قاضی برای اخذ آخرین دفاع مخیر به احضار وکیل یا متهم است، ثانیاً، در احضاریه باید دلیل احضار یعنی آخرین دفاع قید شود و ثالثاً وکیل متهم حق خواهد داشت مستقل از متهم و حتی بدون حضور وی از متهم دفاع کند که لازمه آن اطلاع از محتویات پرونده و مطالعه آن است که از این جهت در تعارض کامل با ماده ۱۲۸ قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۷۸^۷ و حاکمیت نظام تفتیشی در دادسرا است. البته که براستی، چنین نصی در پیش نویس لایحه آیین دادرسی کیفری برای محاکمه ضرورت پیدا نکرد، زیرا مقتضای و اطلاق رسیدگی در دادگاه و محکومیت، اخذ آخرین دفاع است، مگر اینکه متهم خودش در دادگاه حاضر نمی شود که در اینصورت دادگاه بدون اخذ آخرین دفاع رای خواهد داد.

۲-۲-۳. نیابت در اخذ آخرین دفاع

در قانون آیین دادرسی کیفری دادگاه های عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۷۸ و قانون اصلاح قانون تشکیل دادگاه عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۸۱ به صراحت پیش بینی نشده که می توان با نیابت قضائی، آخرین دفاع را اخذ و تصمیم نهایی را اتخاذ کرد، ولی مطابق با ماده ۵۹ قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب که بیان می دارد: «چنانچه تحقیق از متهم یا استماع شهادت شهود و یا معاینه محل، بازرسی از منزل جمع آوری آلات جرم و به طور کلی هر اقدام دیگر در محلی خارج از حوزه قضایی دادگاه است لازم شود، دادگاه رسیدگی کننده با اعطای نیابت قضایی انجام آن را با ذکر صریح موارد از دادگاه آن محل تقاضا می نماید. دادگاه اقدامات و تحقیقات مورد تقاضا را انجام داده و اوراق تنظیمی را پس از امضاء با سایر مدارک به دست آمده نزد دادگاه نیابت دهنده اعاده می کند»، می توان گفت چون آخرین دفاع اخص و داخل در تحقیقات مقدماتی از متهم است پس تحقیقاً در تحقیقات مقدماتی آخرین دفاع از متهم را می توان با نیابت اخذ کرد؛ اما آیا دادگاه هم می تواند برای اخذ آخرین دفاع به مقام قضائی دیگر نیابت دهد؟ یا متهم باید برای اخذ آخرین دفاع به دادگاه صاحب رأی احضار شود؟ به نظر اینچنین می رسد که دادگاه تکلیفی به انجام نیابت در اخذ آخرین دفاع ندارد، زیرا که آخرین دفاع در جلسه دادرسی به عمل می آید ولی نیابت خارج از

جلسه دادرسی است، مضاف اینکه آخرین دفاع باید توسط قاضی صاحب حکم استماع گردد تا که او بتواند با لحاظ تمامی جوانب موثر در احراز جرم و مجازات، مجازات مناسب را تعیین نماید، لذا لازم است قاضی دادگاه شخصاً از متهم آخرین دفاع را اخذ کند.

۳-۲-۳. آخرین دفاع توسط وکیل متهم

از آنجا که بر اساس مواد ۱۲۸ و ۱۸۵^{۱۸} قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۷۸، متهم می تواند در تحقیقات مقدماتی و محاکمه، همراه خود وکیل داشته باشد، ارائه آخرین دفاع توسط وکیل متهم در تحقیقات مقدماتی و محاکمه محل بحث است.

۱-۳-۲-۳. دفاع وکیل متهم در تحقیقات مقدماتی:

ماده ۱۲۸ قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری مقرر می دارد: متهم می تواند یک نفر وکیل همراه خود داشته باشد، وکیل متهم می تواند بدون مداخله در امر تحقیق پس از خاتمه تحقیقات مطالبی را که برای کشف حقیقت و دفاع از متهم یا اجرای قوانین لازم بداند به قاضی اعلام نماید، اظهارات وکیل در صورت مجلس منعکس می شود. همچنین در تبصره این ماده آمده است: در مواردی که موضوع جنبه ی محرمانه دارد یا حضور غیر متهم موجب فساد گردد و همچنین در جرایم علیه امنیت کشور، حضور وکیل در مرحله تحقیق، با اجازه دادگاه خواهد بود. مستفاد از قانون فوق الذکر، متهم مکلف به حضور در تحقیقات مقدماتی است و وکیل وی، بدون حضور او و مستقل و به قائم مقامی از وی حق مداخله و دفاع در تحقیقات مقدماتی را ندارد و اگر متهم به همراه وکیل خود در تحقیقات مقدماتی حضور یافت جایگاه اظهارات وکیل پس از خاتمه تحقیقات است، از آنجا که یکی از اقدامات لازم برای خاتمه تحقیقات مقدماتی، اخذ آخرین دفاع است، پس این متهم است که می بایست اظهارات خود را به عنوان آخرین دفاع بیان دارد و وکیل متهم بجای متهم مجاز به ارائه آخرین دفاع نیست، مگر اینکه اظهارات وکیل متهم بعد از خاتمه تحقیقات نه تحت عنوان آخرین دفاع، بلکه در محدوده موارد ماده فوق الذکر

یعنی کشف حقیقت و دفاع از متهم یا اجرای قوانین باشد، هر چند ممکن است ماهیتاً، مطالب مطروحه وکیل متهم، همان محتوی آخرین دفاع را داشته باشد.

اندیشه‌های فوق، مخصوصاً آنجا که تحقیقات مقدماتی خاتمه نیافته باشد وکیل مجاز به دخالت نباشد، ریشه در نظام تفتیشی دارد که با لحاظ دیگر مقررات آیین دادرسی کیفری، بنظر محل تامل و انتقاد است، زیرا اگر در پاسخ به اینکه چرا باید قاضی تحقیقات مقدماتی، متهم را احضار و بازجوئی کند، گفته شود برای جمع آوری دلائل و تکمیل تحقیقات مقدماتی از متهم تحقیقات بعمل می آید و دخالت وکیل مانع از آنست پس وکیل نباید دخالت کند، مبنی بر دادرسی عادلانه و فرصت دادن به متهم نیست و اشتباه است زیرا بصراحت ماده ۱۲۴ آ.د.ک. مصوب ۱۳۷۸ قاضی باید متعاقب و پس از احراز جرم و وجود دلایل کافی، متهم را احضار یا جلب کند یا با توجه به قسمت اخیر ماده ۱۲۹ این قانون مبنی بر اینکه بعد از تفهیم اتهام باید دلائل اتهام به متهم ارائه شود پس احضار متهم برای کسب دلیل نیست بلکه برعکس وجود دلیل سبب و بهانه احضار و بازجوئی از متهم است بنابراین با لحاظ همین مواد فوق الذکر است که باید گفت دادسرا برای کسب دلیل و علیه متهم نیست بلکه برعکس برای کمک به متهم و بررسی دلائل با حضور اوست تا اگر محل تردید واقع شود تعقیب متوقف گردد و پرونده جهت اقامه دعوی علیه متهم در دادگاه به جریان نیفتد که تحقیقات دخالت وکیل بهتر می تواند به قاضی در صحت و سقم دلائل و احراز جرم کمک کند و در حاشیه گذاردن وکیل در تحقیقات مقدماتی تعارض با دادرسی عادلانه و اساساً جریان رسیدگی از حیث بررسی صحت و سقم دلائل دارد لذا با ترافعی کردن پیش از پیش تحقیقات مقدماتی که باید در راستای و مبتنی بر اصل برائت و تساوی سلاح ها باشد، چنین محدود کردن وکیل را می توان ناقض آنها دانست که شایسته است جهت جلوگیری از جمع آوری دلیل از متهم علیه متهم، چنین محدودیتهایی در قوانین بر طرف و اصلاح گردد.

۲-۳-۲-۳. آخرین دفاع وکیل متهم در دادگاه:

چه کسی مجاز به ارائه آخرین دفاع است متهم؟ یا وکیل وی؟ در برخی مقررات

آخرین دفاع را متهم ارائه می دهد و در برخی دیگر وکیل وی باید از عهده آن برآید، مثلاً طبق قانون فرانسه در جلسه رسیدگی دادگاه های خلاف و جنحه، پس از اظهارات مدعی خصوصی و کیفر خواست دادرسی، اظهارات متهم استماع می شود؛ سرانجام متهم یا وکیل وی در صورت تقاضا می توانند اظهارات خودشان را در آخر بیان کنند ولی در دیوان جنایی فرانسه، آخرین دفاع را وکیل متهم مطرح می کند (لارگیه، ژان، ۱۳۷۸: ۱۶۳ و ۱۶۷) و همچنین طبق ماده ۳۰۳ قانون آیین دادرسی جمهوری کره جنوبی " قاضی رسیدگی کننده باید به متهم یا وکیل او برای بیان آخرین دفاع پس از شنیدن نظر مدعی العموم فرصت بدهد، اما در ماده ۳۷ از فصل ۲ قانون آیین دادرسی کیفری ایالت ایندیانا در آمریکا پیش بینی شده که بیان آخرین دفاع بعهد متهم است. در حقوق انگلیس، در محاکمه جزایی، پس از طرح آخرین ادعای دادستان، وکیل متهم آخرین دفاع را به هیأت منصفه ارائه می نماید (مهر، ۱۳۷۸-۱۳۷۷: ۲۷).

در ایران، با توجه به قسمت آخر ماده ۱۹۳ قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور کیفری که دادگاه را مکلف کرده است پس از پایان مذاکرات به عنوان آخرین دفاع به متهم یا وکیل او اجازه صحبت دهد؛ می توان دریافت، هر کدام از متهم یا وکیل او می توانند آخرین دفاع را پس از پایان مذاکرات ابراز دارند؛ از ظاهر قانون چنین بر می آید که هر دو آنها نمی توانند از این حق استفاده کنند. ولی بنظر می رسد با لحاظ مبانی اخذ آخرین دفاع، نباید مانع از آن شد که متهم و هم وکیل او، نتوانند آخرین دفاعیات خود را بیان دارند؛ خصوصاً اینکه ماهیت دفاع متهم با وکیل وی می تواند متفاوت باشد، از این جهت که دفاع وکیل متهم ناظر بر محوریت قانون و عناصر مادی و روانی جرم است ولی دفاع متهم می تواند ناظر بر بیان اوضاع و احوال و جلب رضایت شاکی باشد که ممکن است در براءت یا معافیت از کل یا بخشی از مجازات موثر باشد؛ مضافاً هم در جایی که متهم قصد داشته باشد بخشی از آخرین دفاعیاتش را خودش و بخش دیگر را وکیلش بیان دارد، محروم ساختن متهم از این حق خلاف دادرسی عادلانه است، ولی در مورد متهمینی که در دادگاه حاضر نمی شوند و به دادگاه وکیل معرفی می کنند، اقتضا و اطلاق وکالت اینست که وکیل متهم بتواند به وکالت از متهم آخرین دفاع را در پایان دادرسی ابراز دارد مگر اینکه به

صراحت این تکلیف از وکیل سلب شده باشد، این در حالی است که در تحقیقات مقدماتی دادرسا، حسب ماده ۱۲۸ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۷۸ مداخله وکیل بعد از خاتمه تحقیقات است که لزوماً عنوان آخرین دفاع را ندارد.

۳-۳. موجه بودن انتساب

برخی اقدام به اخذ آخرین دفاع را اعم از اینکه قاضی عقیده بر براءت یا مجرمیت متهم داشته باشد لازم و عدم اقدام به این کار را موجب تخلف انتظامی قاضی می دانند (گلدوست جویباری، ۱۳۸۷: ۱۴۸)، البته این نظر از جهت عقیده به منع تعقیب یا براءت، قابل انتقاد است، زیرا دفاع باید در برابر اتهام به ارتکاب جرم باشد و زمانی که از نظر مقام قضایی اتهامی متوجه متهم نیست دفاع سالبه به انتفاع موضوع است، زیرا آخرین دفاع زمانی اخذ می گردد که مقام قضائی بعد از خاتمه تحقیقات یا پایان مذاکرات و قبل از تصمیم نهائی، نظر به مجرمیت (آخوندی، ۱۳۸۷: ۱۲۷ و ۱۲۸) یا محکومیت متهم داشته باشد، در اینصورت لازم است که یک بار دیگر به متهم فرصت دفاع داده شود. لازم به ذکر است، در صورتی که مقام قضایی نظر به صدور قرار موقوفی تعقیب، منع تعقیب و یا براءت متهم دارد نیاز به اخذ آخرین دفاع نیست و اگر در خصوص لزوم اخذ آخرین دفاع، آرای متعددی از دادگاه انتظامی قضات صادر شده است، برای مثال «با عنایت به ماده ۱۶۱ قانون اصول محاکمات جزایی (بند ک ماده فوق الذکر فعلی) باز پرس دادرسا در ... و عدم اخذ آخرین دفاع نسبت به یکی از متهمین مرتکب تخلف شده است»^{۱۹}، مربوط به زمانی است که نظر مقام قضایی مبنی بر مجرمیت متهم است و بدون اخذ آخرین دفاع اقدام به صدور قرار مجرمیت کرده است و به همین طریق قابل تعمیم به دادگاه هم است که نظر بر محکومیت متهم دارد، ولی قبل از آن، به وظیفه قانونی خود یعنی اخذ آخرین دفاع عمل نمی کند. البته اخذ آخرین دفاع هم لزوماً به معنی مجرمیت یا محکومیت متهم نیست؛ زیرا چه بسا مقام قضائی پس از استماع آخرین دفاع و بررسی پرونده و دلایل مطروحه، به وقوع جرم یا انتساب آن به متهم به تردید بیافتد و اساساً نظر به بی گناهی متهم داشته باشد.

۴. آخرین دفاع در جرایم اطفال

ماده ۴۹ قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰، اطفال مرتکب جرم را به طور مطلق مبرا از مسؤلیت کیفری شناخته است، معنی این نظر قانونگذار این است که طفل بزهکار از مجازات معاف است (اردبیلی، ۱۳۸۲، ص ۱۱۲)، همچنین ماده ۱۴۶ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ نیز افراد نابالغ را فاقد مسؤلیت کیفری دانسته است، مطابق با ماده ۱۴۸ این قانون افراد نابالغ مشمول اقدامات تامینی و تربیتی قرار می گیرند که حسب مورد در مواد دیگر این قانون با توجه به شرایط مرتکب و نوع جرم اعمال می گردد. سوآلی که مطرح می شود این است: در مواردی که طفلی مرتکب جرم شده باشد چه کسی باید آخرین دفاع را بیان کند؟ بنظر، مستفاد از مقررات آیین دادرسی کیفری، هر فردی که مرتکب جرم شده و به او تفهیم اتهام می شود و مسئول ارتکاب جرم شناخته شود و در نتیجه لازم است هر نوع عقوبت جرم اعم از مجازات یا اقدامات تامینی و تربیتی راتحمل کند باید آخرین دفاع را نیز بیان دارد؛ بنابراین چنانچه طفل یا مجنونی مرتکب جرمی مثل قتل عمد شده باشد؛ هرچند برابر ماده ۱۴۶ قانون مزبور از مسؤلیت کیفری مبری هستند و عاقله ضامن است ولی به سبب اینکه ممکن است حسب نص قانون و اختیار قاضی مشمول برخی اقدامات تامینی گردند از آنها آخرین دفاع اخذ می شود، اما در مواردی که ارتکاب جرم توسط اطفال به ویژه اطفال غیر ممیز یا مجانینی صورت گیرد که هیچ فهم و امکان دفاع از اعمال خود و درک تصمیمات تامینی و تربیتی قاضی را ندارند و در نتیجه هیچ ضمانت اجرائی در قانون مجازات اسلامی با صدور حکم از دادگاه کیفری در مقابل آنها بعمل نمی آید، همچنان که تفهیم اتهام نمی شوند لزوماً آخرین دفاع هم از آنها اخذ نمی شود.

۵. مدت آخرین دفاع

از مفهوم مخالف بند ج ماده ۱۷۷ قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور کیفری استفاده می شود، در صورتی که اصحاب دعوا درخواست مهلت برای دفاع نموده باشند، دادگاه باید مهلت مناسب به آنها بدهد؛ اما در آیین دادرسی

کیفری ایران برای آخرین دفاع مدت تعیین نشده است، یعنی مشخص نیست که متهم چقدر وقت دارد تا آخرین دفاع خود را بیان دارد، هر چند دادن مهلت بدون سقف زمانی، ممکن است اتلاف وقت دادگاه به شمار آید، اما به طور قطع، مقام قضایی باید زمان کافی برای بیان آخرین دفاع به متهم دهد و نباید مدت آخرین دفاعیات را محدود کند به گونه ای که متهم از بیان بخشی از آخرین دفاع خود محروم شود.

در برخی از کشورها، مانند انگلستان، مطابق با ماده ۶۰۴ آیین دادرسی کیفری به دادگاه اجازه داده شده است که مدت آخرین دفاع را تعیین کند، این محدودیت زمانی، باید قبل از اینکه آخرین دفاع شروع شود به همه اعلام شود. در ماده ۲۰۷ قانون دادگاههای^{۲۰} ایالت آهایو^{۲۱} در آمریکا که بر تمامی انواع دادگاههای این ایالت حاکم است، این چنین آمده است: «در همه دادگاه ها زمان مجاز برای آخرین دفاع ۲۰ دقیقه برای هر طرف است مگر اینکه اضافه کردن مدت به نفع عدالت باشد که در این صورت به نظر می رسد دادگاه باید مدت زمان آخرین دفاع را اضافه کند. لذا انتظار است در لایحه آیین دادرسی کیفری ایران پیش بینی شود که مدت آخرین دفاع تابع چه ملاکی باشد و کسی مجاز به قطع آخرین دفاع متهم یا وکیل وی نباشد. منطقیاً مهلت آخرین دفاع نباید از مهلتی که مدعی العموم و شاکی برای طرح دعوی مطرح کرده اند کمتر باشد و مضاف بر این مدت، در صورت درخواست متهم یا وکیل وی، مهلت اضافه، حسب هر پرونده بستگی به نظر قاضی دادگاه دارد.

۶. نتیجه گیری

دفاع متهم از اتهامات و دلایل علیه خود، در ابتدا، در مقابل تفهیم اتهام و در انتهای رسیدگی قبل از مجرمیت یا محکومیت، اخذ می شود، والا، یعنی آنجا که نظر بر ارتکاب جرم توسط متهم نیست و همینطور در مورد متهم غایب، از متهم آخرین دفاع اخذ نمی گردد، اگر قاضی نظر به مجرم بودن متهم داشته باشد باید متهم را جهت ادامه رسیدگی احضار، تا پس از استماع آخرین دفاع او تصمیم نهائی خود را صادر کند، بدون اینکه در احضاریه متهم نوشته شود که او را برای اخذ آخرین دفاع احضار می

کند. متهم را نباید به صرف اخذ آخرین دفاع جلب کرد، همچنانکه، بعد از تحقیقات مقدماتی دادسرا، در دادگاه متهم برای اخذ آخرین دفاع جلب نمی شود، چون، در انجام تحقیقات مقدماتی، زمانی قاضی اقدام به اخذ آخرین دفاع می کند که قاضی دفاعیات متهم را شنیده و از تحقیقاتش علی الخصوص با استماع دفاعیات قبلی متهم، به کشف حقیقت و مجرمیت متهم رسیده است و دادن فرصت مجدد به متهم، تحت عنوان آخرین دفاع، تحقیقا به این معنی نیست که قاضی با استماع آخرین دفاع، مترصد کشف حقیقت است، زیرا که بنظر قاضی حقیقت قبلا کشف شده بود، والا کار به آخرین دفاع نمی رسید و تحقیقات ادامه می داشت که در این صورت چه بسا ممکن است لازم باشد متهم جلب شود، از اینرو مستفاد است که الزام قاضی به اخذ آخرین دفاع، پیش بینی صرفا حقی برای متهم باشد تا متهم با طرح مباحثی جدید، بتواند قاضی را در حقیقتی که کشف کرده است، به شک اندازد، هر چند غالبا متهم مباحثی را طرح می کند که قبلا مطرح کرده بود، نه اینکه قاضی صرفا بر اساس آخرین دفاع متهم بخواهد به کشف حقیقت جدید برسد.

مهمترین توجیه استماع آخرین دفاع: عدالت خواهی، واقع گرایی، نظم عمومی و توجه به اصل برائت در جهت رفع تردید قاضی به استماع و توجه به تمامی دفاعیات و دلائل متهم و اطمینان متهم به بیان تمامی اظهاراتش نزد قاضی است. آخرین دفاع متوجه کسی است که به سبب ارتکاب جرم تفهیم اتهام شده و بار عقوبت ناشی از ارتکاب جرم اعم از مجازات یا اقدام تأمینی و تربیتی متوجه اوست. درخواست قاضی راجع به آخرین دفاع، تفهیم اتهام و دلایلی است که یکبار مطرح و مستلزم مجرم دانستن متهم است و متهم در پاسخ، هر مطلبی را می تواند در دفاع از خود بیان دارد و محتوای آن باید منطقاً بیان اوضاع و احوال و دلایلی باشد که در رد اتهامات و دلایل علیه متهم است، اعم از اینکه در هر یک از عناصر مادی یا روانی جرم شبهه ایجاد کند یا شرایطی را ثابت نماید که با عناصر مادی یا روانی جرم در تعارض یا تنافی است. البته در صورتی که متهم مجرم بودن خود را اقرار دارد، درخواست تخفیف و یا تعلیق مجازات را می کند.

در جرائمی که تحقیقات مقدماتی آنها توسط دادسرا انجام می گیرد، یکبار، در

دادسرا توسط مقام قضائی دادسرا آخرین دفاع اخذ می گردد و بار دیگر در دادگاه در انتهای محاکمه توسط قاضی دادگاه بدوی انجام می گیرد. در جرائمی که تحقیقات مقدماتی آنها در دادسرا انجام نمی گیرد و دادگاه خود متولی انجام تحقیقات مقدماتی است، فقط یکبار در پایان مذاکرات از متهم آخرین دفاع اخذ می شود؛ در هر حال، اعم از اینکه پرونده در ابتدا در دادسرا مطرح شود یا بعد از دادسرا به دادگاه بدوی ارجاع گردد، در تحقیقات مقدماتی، برای آخرین دفاع از متهم می توان از نیابت قضائی استفاده کرد، ولی در محاکمه، باید قاضی دادگاه شخصاً از او آخرین دفاع را اخذ کند. اگر به واسطه تجدیدنظر خواهی، پرونده در دادگاه تجدیدنظر مطرح شد، عدم اخذ آخرین دفاع در دادگاه بدوی، لزوماً موجب نقض حکم نیست، ولی دادگاه تجدیدنظر چون در راستای رسیدگی بدوی، رسیدگی ماهوی می کند، مکلف است با تشکیل جلسه دادرسی آخرین دفاع را اخذ کند؛ اما اگر مرجع تجدیدنظر دیوان عالی کشور باشد، چون این مرجع رسیدگی شکلی می کند، عدم اخذ دفاع در دادگاه بدوی کیفری استان صرفاً موجب نقض حکم بلحاظ نقص رسیدگی است.

بیان آخرین دفاع در تحقیقات مقدماتی به علت محدودیت های صلاحیت وکیل باید توسط خود متهم صورت گیرد، اما در محاکمه، متهم یا به درخواست یا غیاب وی، وکیل می تواند اقدام به بیان آخرین دفاع کند. مدت آخرین دفاع نباید از مهلتی که مدعی العموم و شکات، دعوی کیفری خود را مطرح کرده اند کمتر باشد و بیشتر از این مدت به نظر قاضی بستگی دارد. در مورد آرایبی که قطعی شده و آخرین دفاع از متهم اخذ نشده است، هر چند از مصادیق تخلف و موجب محکومیت قاضی در دادگاه انتظامی قضات است، چنانچه عدم اخذ آخرین دفاع از بین رفتن فرصت آرایه برخی از دلایلی باشد که شرعاً یا قانوناً در بی گناهی متهم موثر است حسب مورد، ممکن است از جهات اعاده دادرسی یا اختیارات رییس قوه قضاییه مذکور در ماده ۱۸ اصلاحی قانون اصلاح قانون تشکیل دادگاه های عمومی و انقلاب برای اعاده رسیدگی و نقض حکم باشد.

پی‌نوشت‌ها

۱. ماده ۱۶۱ آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۱ شهریور ۱۲۹۰ شمسی: پس از آنکه استنطاق تمام شد مستنطق به متهم اعلام می‌دارد که اگر در برائت خودش باز اظهاری دارد بنماید و پس از اظهار آخری متهم، مستنطق تحقیقات را ختم و بعد از اظهار عقیده خود در ذیل تحقیقات امر ابلاغ آن را به مدعی العموم درج نموده صورت تحقیقات و استنطاقات را نزد مدعی العموم محکمه ابتدایی ارسال می‌دارد.
۲. ماده ۲۶۱ آیین دادرسی کیفری ۱۲۹۰: دادگاه بعد از تکمیل رسیدگی و استماع عقیده نماینده دادستان و شنیدن آخرین دفاع متهم (در صورتی که حاضر باشد) مبادرت به صدور حکم می‌کند.
۳. ماده ۳۳۰ آیین دادرسی کیفری ۱۲۹۰: بعد از ختم تحقیقات هر گاه مدعی العموم اقامه دعوی کرده باشد رئیس به مدعی العموم اجازه می‌دهد که ادعای خود را نموده اظهار عقیده نماید بعد متهم یا وکیلش توضیحات لازمه را داده امضاء می‌نماید بعد از آن که مذاکرات طرفین به قدر کفایت به عمل آمد رئیس قبل از ختم محاکمات باز یک دفعه به متهم اجازه می‌دهد که هر اظهاری دارد بنماید و پس از آن هیأت محکمه برای دادن رأی به اطاق مشاوره می‌روند.
۴. ماده ۳۳۱ آیین دادرسی کیفری ۱۲۹۰: در صورتی که اقامه دعوی را مدعی خصوصی نموده بعد از افتتاح جلسه عرض حال مدعی خصوصی قرائت می‌شود بعد از آنکه سوالات لازمه از متهم شد به استماع شهود و سایر تحقیقات اقدام و پس از ختم تحقیقات، اول مدعی خصوصی اظهارات خود را می‌کند و بعد مدعی العموم ادعای خود را نموده اظهار عقیده می‌نماید، بعد متهم جواب های لازمه یا توضیحات را می‌دهد پس از آنکه مذاکرات طرفین به قدر کفایت به عمل آمد رئیس باز یک دفعه اجازه نطق به متهم داده مذاکرات را ختم می‌نماید.
۵. بند ۶ ماده ۲۵ قانون تشکیل محاکم جنایی مصوب اول مرداد ماه ۱۳۳۷: رئیس دادگاه مکلف است خلاصه اظهارات طرفین و عین اظهارات یک طرف را که مورد استناد طرف دیگر باشد و همچنین عین اظهارات شهود و اهل خبره را در صورت مجلس منعکس کند، و هرگاه دادستان مجدداً اجازه نطق بخواهد به متهم یا وکیل او نیز اجازه داده می‌شود ولی این اجازه به هر یک از طرفین بیش از یک بار داده نخواهد شد و پس از خاتمه مذاکرات، رئیس یک بار دیگر به عنوان آخرین دفاع به متهم یا وکیل او اجازه صحبت داده رسیدگی را ختم می‌کند.
۶. اصل ۳۷ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران: هیچ کس از نظر قانون مجرم شناخته نمی‌شود مگر اینکه جرم او در دادگاه صالح ثابت شود.
۷. بند ۲ ماده ۱۴ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی: هر کس به ارتکاب جرمی متهم شده باشد حق دارد بی‌گناه فرض شود تا اینکه مقصر بودن او بر طبق قانون محرز بشود.
۸. بند اول ماده ۱۱ اعلامیه جهانی حقوق بشر: هر کس که به بزهکاری، متهم شده باشد بی‌گناه

محسوب خواهد شد....

۹. حکم شماره ۱۴ مورخ ۱۳۵۶/۴/۲۴، دادگاه انتظامی قضات به نقل از کتاب رویه قضایی در ارتباط با بازپرس، معاونت آموزش قوه قضاییه، نشر قضا، چاپ اول، ۱۳۸۷، ص ۲۴۹
۱۰. ماده ۴۳ قانون مطبوعات مصوب ۱۳۶۴/۱۲/۲۶ با اصلاحات و الحاقات ۱۳۷۹/۱/۳۰: پس از اعلام ختم رسیدگی اعضا هیأت منصفه به شور پرداخته و نظر کتبی خود را در دو مورد زیر به دادگاه اعلام می دارند:
- الف- آیا متهم بزهکار است؟
- ب- در صورت بزهکاری آیا مستحق تخفیف است یا خیر؟

11- Carlson
13-blak's law Dictionary
15- Campbell

12- Michael
14-closing argument
16-Estonia

۱۷. ماده ۱۲۸ قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۷۸: متهم میتواند یک نفر وکیل همراه خود داشته باشد وکیل متهم می تواند بدون مداخله در امر تحقیق پس از خاتمه تحقیقات مطالبی را که برای کشف حقیقت و دفاع از متهم یا اجرای قوانین لازم بداند به قاضی اعلام نماید.

تبصره: در مواردی که موضوع جنبه محرمانه دارد یا حضور غیر متهم به تشخیص قاضی موجب فساد گردد و همچنین در خصوص جرایم علیه امنیت کشور حضور وکیل در مرحله تحقیق با اجازه دادگاه خواهد بود.

۱۸. ماده ۱۸۵ قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۷۸: در کلیه امور جزایی طرفین دعوا می توانند وکیل یا وکلای مدافع خود را انتخاب و معرفی نمایند، وقت دادرسی به متهم، شاکی، مدعی خصوصی و وکلای مدافع آنان ابلاغ خواهد شد در صورت تعدد وکیل حضور یکی از وکلای هر یک از طرفین برای تشکیل دادگاه و رسیدگی کافی است.

۱۹. دادنامه شماره ۱۸۵ تاریخ ۱۳۷۵/۹/۶، دادگاه انتظامی قضات، به نقل از کریم زاده، احمد، نظارت انتظامی در نظام قضایی، روزنامه رسمی، جلد اول، چاپ اول، ۱۳۸۵، ص ۳۷۴.

20. Rules of Court

21. Ohaio

منابع

الف. فارسی

- اصول محاکمات جرائی (آیین دادرسی کیفری) مصوب ۱۳۹۰ شمسی با اصلاحات بعدی .
قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۷۸.
قانون تشکیل دادگاه های عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۷۳ .

- ماده واحده قانون اصلاح قانون تشکیل دادگاه های عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۸۱.
- قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰.
- قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲.
- آخوندی، محمود، (۱۳۸۸). **آیین دادرسی کیفری**. ج ۲. تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- آخوندی، محمود، (۱۳۸۷). **آیین دادرسی کیفری**. ج ۵. تهران: نشر میزان.
- اردبیلی، محمد علی. (۱۳۸۲). **حقوق جزای عمومی**. ج ۲. تهران: انتشارات میزان.
- زراعت، عباس، (۱۳۸۲). **اصول آیین دادرسی کیفری ایران**. تهران: انتشارات مجد.
- کریم زاده احمد، (۱۳۸۱). **آرژ دادگاههای عالی انتظامی قضات در امور کیفری**. تهران: انتشارات میزان.
- گلدوست جویباری، رجب، (۱۳۸۷). **کلیات آیین دادرسی کیفری**. تهران، انتشارات جنگل.
- گلدوست جویباری، رجب و عبداللهی، افشین (۱۳۸۹). « **اخذ آخرین دفاع از متهم در حقوق کیفری ایران** ». **نشریه حقوق دانشگاه شهید بهشتی**.
- گیلانی، محمد، قضا و قضاوت در اسلام، (۱۳۶۱). تهران: انتشارات عرفان.
- لارگیه، ژان، (۱۳۷۸). **آیین دادرسی کیفری فرانسه**. ترجمه حسن اسمعیل زاده، تهران: انتشارات گنج دانش.
- مجموعه آیین دادرسی کیفری، معاونت پژوهش، تدوین و تنقیح قوانین و مقررات ریاست جمهوری، ۱۳۸۱.
- معاونت آموزش قوه قضاییه (۱۳۸۷). **رویه قضایی در ارتباط با بازپرس**. تهران: نشر قضا.
- مدنی، سیدجلال الدین، (۱۳۶۹). **حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران**. ج ۶. تهران: انتشارات سروش.
- مهر، نسربین، (۱۳۸۸-۱۳۸۷). **تقریرات درس متون حقوقی**. دوره کارشناسی ارشد. دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی
- ب. انگلیسی

Campbell, Henry blak (1983). **BLAK'S LAW DICTIONARY**. st. paul. minn. west publishing co .

**Code of Criminal Procedure-chapter24-(5)-
Federal Rules of Criminal Procedure "**
"Indiana code title 35.criminal law and prosedure"
"Indiana rules of court-jury rules-rule27"-
"In the supreme court of florida"-case no.1091
"Lancaster county rules of criminal procedure"-rule604.b-
L. Carlson, ronald and s. Carlson, michael.(fall2004)" **The right to open
and cunclode final arguments"**. pubs/carlson/fall_2004_carlson.
pdf .
"Penal Procedure Code of sourth korea" ,last amended, 1995

Archive of SID